

۲۳۹۹۱۳

پایه نهم

برای مدرسین، دانشجویان و هنرجویان

کتاب اول: مبانی نظری

تالیف: حجت مجرد

www.ketab.ir



پایه نشانه کتاب اول مبانی نظری - جلد ۱

تالیف: حجت مجرد
ویراستار: مریم رضایی، مهدیه جوادی
مدیر تولید: علی زارعی
طراح جلد و صفحه آرا: حجت مجرد
لیتوگرافی: بوستان کتاب
چاپ و صحافی: بوستان کتاب
نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۳
ناشر: کتابسرای میردشتی
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۲۰-۷۱-۵

کلیه حقوق برای انتشارات کتابسرای میردشتی محفوظ است.
هرگونه بهره برداری از این اثر، به اجازه کتبی ناشر نیاز دارد.
نقل مطالب فقط با ذکر کامل منبع مجاز است.

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی،
بعد از لبافی نژاد، پلاک ۱۱، طبقه اول، واحد ۱
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۹۰۶۶۰-۲
ایمیل: mirdashtipub1@gmail.com
آدرس سایت: mirdashti.ir

پایه نشانه کتاب اول: مبانی نظری



کتابسرای میردشتی ۲,۸۸۰,۰۰۰ ریال



سرشناسه: مجرد، حجت، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور: پایه نشانه کتاب اول: مبانی
نظری برای مدرسین، دانشجویان و هنرجویان / تألیف
حجت مجرد؛ ویراستار: مریم رضایی.
مشخصات نشر: تهران، کتابسرای میردشتی، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.؛ مصور (رنگی)
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۸۲۰-۷۱-۵
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان دیگر: پایه نشانه (کتاب دوم: مبانی
عملی)
یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۴۱
موضوع: نشانه نگاری
Logographik
نشانه نگاری-راهنمای آموزشی
Logography--study and teaching
نمادها
Mascot
راهنمای آموزش
Mascots--study and teaching
شناسه کتاب: زعیم، کورش، ۱۳۱۸-، مترجم
رده‌بندی گنجره: NC1۰۰۲
رده‌بندی دیویی: ۷۴۱/۶
شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۶۱۸۶۴
شماره کتابشناسی ملی: فیبا

فهرست مطالب

۷۶	- انواع نشانه.....	۹	مقدمه مؤلف
۸۴	- ویژگی های نشانه	۱۵	فصل اول: مفاهیم پایه
۱۰۱	فصل سوم: خلاقیت	۱۵	- ارتباط
۱۰۲	خلاقیت	۲۱	- عناصر مؤثر در فرایند ارتباط
۱۰۳	عوامل مؤثر بر خلاقیت	۲۳	- مقدمه ای بر هنر
۱۰۵	دستور العمل های خلاقیت	۲۶	- هنرهای تجسمی
۱۰۹	مراحل خلاقیت	۲۹	- گرافیک
۱۱۱	بیست اصل توسعه و پرورش خلاقیت فراگیر	۳۵	- الفبای تجسمی در نشانه
۱۱۵	فصل چهارم: مفاهیم دیگر	۵۵	- کیفیت های تجسمی در نشانه
۱۱۷	- دال و مدلول در نشانه	۶۵	- اصل ترکیب بندی (کمپوزیسیون) در نشانه
۱۱۹	- استیتمنت (شرحی بر اثر)	۶۹	فصل دوم: مقدمه ای بر نشانه
۱۲۳	- گشتالت	۷۱	- پیشگفتار
۱۲۵	- گشتالت و طراحی (دیزاین)	۷۲	- نشانه در فرهنگ لغات
۱۳۱	- ری دیزاین	۷۳	- مختصری از نشانه
۱۳۵	منابع	۷۴	- کلیات نشانه

مقدمه

از چه کسی، چه چیزی آموختیم؟ چه کسی استعداد ما را کشف کرد؟ چه کسی در مسیر پیشرفت ما مؤثر بود؟ آموخته‌های ما در دوران نوجوانی و هنرستان تا چه اندازه اصولی به شمار می‌رفت و تا چه میزان ماندگاری داشت؟ کدام روش تدریس و کدام معلم بر ما تأثیر بیشتری گذاشت؟ الگوی حرفه‌ای ما چه کسی است؟ آیا معلمان - به خصوص معلمان حوزه تخصصی - در کشف، شکوفایی استعداد و پیشرفت ما مؤثر بوده‌اند؟ آیا حضور معلم متخصص و کاربردی که روش تدریس منحصر به فردی داشته، در شیوه کار ما اثر گذاشته است؟

امروز که حدود ۳۰ سال از دوران نوجوانی من می‌گذرد، در کسوت معلم گرافیک دنبال پاسخ این پرسش‌ها هستم و در هیئت معلم‌گونه خود به جستجو می‌نشینم؛ گاه از خود می‌پرسم: آیا روش تدریس من، روشی پویا و خلاق است و آیا تفاوتی با شیوه‌های آموزشی ۳۰ سال قبل دارد؟ آیا در آموزش و انتقال اندیشه به هنرجویان و دانشجویان خود، معلم به‌روز و سرآمدی هستم و اصل مستندسازی روش تدریس را اجرا می‌کنم؟ آیا مجالی برای به چالش کشیدن و نقد و بررسی شیوه تدریس خود فراهم کرده‌ام و با وجود پیشرفت فناوری و تکنولوژی‌های مختلف و رسانه‌های آموزشی متعدد، حضور من در کلاس آموزش‌های تخصصی لازم است یا هنرجو می‌تواند آموزش‌های لازم را از رسانه‌های مجازی فراگیرد؟ آیا رسانه‌ها، می‌توانند جایگزین مناسبی برای حضور فیزیکی معلم باشند؟! و آیا...؟

شاید برای پاسخگویی به این قبیل پرسش‌ها است که همیشه مثل یک مربی فوتبال به موضوع نگاه می‌کنم؛ یعنی مواجهه با امر آموزش را شبیه به حرفه مربیگری در زمین فوتبال می‌دانم و خود را در حیطه شیوه‌ها و استراتژی‌های آموزشی به چالش می‌کشم. البته شاید این امر چندان هم درست نباشد! اما در ذهن من حداقل از یک زاویه، موضوع قابل تعمیم است:

مربی می‌داند که پیش از آغاز هر بازی باید تیم مقابل را آنالیز کند و با خود استراتژی مناسبی را برای بُرد به زمین سبز ورزشگاه ببرد اما آیا تمام آموزش‌های استانداردِی که مربی گذرانده باعث پیروزی او در زمین بازی خواهد شد؟ مسلماً

جواب منفی است. پس عامل بُرد تیم چیست؟ بازیکنان، مربی، نوع ترکیب (ارنج)، تفکر هجومی یا دفاعی یا چه؟ به نظر می‌رسد همه عوامل و حتی چیزی بیشتر از این عوامل در بُرد و باخت تیم مؤثرند.

همانطور که مربی فوتبال باید در بزنگاه‌ها، تصمیم‌های حساسی بگیرد تا تیم را از باخت نجات دهد، معلم هم در مواجهه با هنرجویان و دانشجویان و استعداد‌های مختلف، نیازمند چنین تفکری است. اینکه تیم از باخت نجات پیدا می‌کند یا نه، بحث دیگری است. ممکن است داستان بُرد و باخت تیم به خیلی از پارامترها بستگی داشته باشد، اما یکی از مهم‌ترین آن‌ها، قدرت تجزیه و تحلیل و در پی آن، شجاعت در تصمیم‌گیری و تغییر در استراتژی بازی به‌وسیله مربی است اما، باز هیچ تضمینی برای پیروزی وجود ندارد، چرا که اگر بازیکن اراده و انگیزه لازم را برای بُرد نداشته باشد، همه استراتژی‌ها و ایده‌های مربی بر زمین خواهند ماند. بنابراین، مربی برای پیروزی به زنجیره‌ای از عوامل نیاز دارد؛ از زمین چمن گرفته تا مسائل روانشناختی بازیکنان و ... بر این اساس، معلم نیز برای یاددهی مناسب، باید ضمن داشتن دانش و علم کار، از علوم دیگری مثل روانشناسی، علوم تربیتی و آموزشی (تدریس)، آگاهی کافی داشته باشد تا در بزنگاه‌ها تصمیم مناسب و درستی اتخاذ کند، مخصوصاً اگر محتوای آموزشی، عنوان «کارگاهی» هم داشته باشد؛ مثل کارگاه «طراحی نشانه» که آموزش آن به حوزه «روانی - روانی» مربوط می‌شود و گاهی با توجه به استعداد‌های مختلف هنرجویان، لازم است آموزش‌های انفرادی نیز مدنظر قرار گیرد. بنابراین، نگارنده برای نیل به چنین هدفی نکاتی را متذکر می‌شود:

نکته ۱: آموزش‌ها باید اساسی علمی داشته باشند، چرا که در آموزش‌های پایه، شیوه‌های علمی و آکادمیک تأثیرات بیشتری دارند. مسلماً آموزش‌های اصولی و بنیادین که فراوان زنده و با تجربه آن‌ها را تدوین کرده‌اند، ارزشمندتر از آموزش‌های بدون برنامه و ساختار هستند، و این نوع آموزش‌ها را باید معلمان و مدرسان دوره‌دیده و کاربرد انتقال دهند. اما چرا در بعضی موارد چنین آموزش‌هایی طرفدار ندارند؟

آنچه آموزش‌های علمی و آکادمیک را از آموزش‌های تجربی و غریزی متمایز می‌کند، سیستماتیک بودن آنهاست؛ یعنی دارای اصول و قواعد هستند و براساس ساختار ازپیش تعیین‌شده شکل می‌گیرند و فرایندی پویا دارند و احتمالاً زمان‌بر هستند؛ یعنی باوجود اینکه آموزش‌های آکادمیک، علمی و ساختارمند، روند آموزش را آسانتر می‌کنند، اما به زمان بیشتری نیاز دارند و شاید به‌همین سبب آمار طرفداران آموزش‌های تجربی و غریزی در عرصه هنر زیاد است. علت بعدی هم شاید این باشد که در کوتاه‌مدت نتیجه بهتری می‌گیرند. در حالی که امروزه ثابت شده، آموزش‌های حسی و غریزی نتیجه مطلوب، پایدار و بلندمدت ندارند؛ از این رو، جا دارد در هنرستان‌ها و دانشکده‌های هنری، بحث آموزش و به‌خصوص آموزش‌های پایه‌ای مثل «نشانه» به شکل کلاسیک و براساس یک سری اصول آموزشی مدون تدریس شود و شیوه‌های دیگری مثل برخوردهای مدرن، پست‌مدرن و ... به زمان پس از فراغت از تحصیل هنرجویان و دانشجویان موکول شود تا خود آن‌ها با مطالعه منابع و کشف و شهود به آن مراحل برسند.

نکته ۲: برای مقاطع مختلف تحصیلی باید سطوح آموزشی و عناوین واحدهای تحصیلی به صورت کاملاً محدود تدوین شوند؛ به عنوان مثال، باید دقیقاً مشخص شود که دانشجوی در یک ترم ۱۶ جلسه‌ای در واحدی به نام «نشانه پایه» قرار است از نقطه صفر به کجا برسد؟ مسلماً آنجا حد اعلاهی آن گرایش نیست، بنابراین می‌تواند از پله ۱ شروع شود و به پله ۱۰ برسد نه پله ۱۰۰ که حد اعلاهی آن گرایش است. چرا که دانشجوی یا هنرجو، در امتداد بحث نشانه پایه، در ترم آینده، کارگاه نشانه ۱ را سپری خواهد کرد و در ترم‌های بعدی کارگاه نشانه ۲ و ۳ و ...

نکته ۳: مسلماً معلمان و مدرسان دروس کارگاهی، مثل سایر دروس، توانایی‌های علمی، فنی و حتی روش تدریس متفاوتی دارند؛ بنابراین، همه استادان و معلمان در یک سطح و با یک دیدگاه و روش، تدریس نمی‌کنند و نیازی هم به این کار نیست؛ اما نکته مهم این است که آموزش از طرف هر کسی - اعم از معلم، اولیا و ... - اتفاق بیفتد، باید از پایه، به شکل علمی و اصولی، آغاز شود و با وجود تمامی تفاوت‌های ذکر شده، روند یادگیری هنرجو و دانشجوی روبه‌رشد باشد؛ چرا که مهم، کیفیت آموزش است. پس اگر از صفر شروع شود و به ۵ برسد، از ۵ به ۷، از ۷ به ۱۰ یا ۱۵ و ... روند آموزش قابل قبول است، هر چند این روند کند باشد. دو ضمن، بهتر است آموزش از آسان به دشوار و از جزء به کل سیر کند که به روش تدریس «استقرایی» موسوم است. البته اصل خلاقیت و آزادی عمل مدرس در آموزش‌های عملی را نیز نباید نادیده گرفت.

نکته ۴: آنچه که در ابتدای آشنایی هنرجویان و دانشجویان با انواع هنرها (در اینجا گرافیک و به‌طور خاص طراحی نشانه) باید لحاظ شود، شناساندن مسیر درست، اصولی و بنیادین آن است. شناخت راه و ماهیت مسیر، مسلماً به کوتاه شدن راه ترقی و رشد هنرجو کمک خواهد کرد. شاید مصداق این حرف، عبارت مشهور معلمان ریاضی باشد که پس از طرح هر مسئله می‌گویند: «درک مسئله، نصف راه حل مسئله است»؛ بنابراین، اول از همه بهتر است، معلم زمینه درک و شناخت مسیر را در هنرجو و دانشجوی فراهم کند تا به مرور زمان، خود هنرجو و دانشجوی مسیر درست را بیابد. هر چند شناخت مسیر، یک ماهه و یک ساله اتفاق نمی‌افتد، اما آموزش‌های اصولی می‌توانند مسیر رسیدن به شناخت را کوتاه‌تر کنند؛ همان‌طور که در روش تفکر سیستماتیک می‌گویند: «پاسخ یک مسئله، با تغییر افق زمانی نگاه به آن مسئله تغییر می‌کند.»

نکته ۵: لازمه آموزش و انتقال چگونگی اندیشیدن به هنرجو یا دانشجوی، داشتن طرح درس، نقشه و دیزاین آموزشی براساس سرفصل‌ها و استانداردهای آموزشی است تا در مراحل بعدی انتقال محتوا با بهره‌گیری از روش‌های نوین آموزشی در محیط و شرایط مناسب به درستی صورت بگیرد. در هر حال، مدرس برای امر مهم تدریس باید برنامه آموزشی مدونی داشته باشد و بهتر است این برنامه‌ها را با ابزارها و روش‌های و رسانه‌های آموزشی نوین به مخاطب و هنرجو انتقال دهد. این محتوا، بسته به سطح هنرجو، می‌تواند از مرحله دانش شروع و تا مراحل پیشرفته‌ای مثل به کار بستن و

تجزیه و تحلیل، ادامه داشته باشد.

نکته ۶: مسئله اساسی و حیاتی دیگری که متأسفانه در هنرستان‌ها جدی گرفته نمی‌شود، مسئله هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در بدو انتخاب رشته تحصیلی است. با تأسف، در اغلب مواقع، گزینش هنرجو بدون آزمون ورودی و صرفاً برای پر کردن ظرفیت کلاس‌ها صورت می‌گیرد که عواقب آن در طول تحصیل گریبانگیر سیستم آموزشی، خانواده‌ها، هنرجویان، معلمان و کادر آموزشی می‌شود؛ بنابراین، انتخاب رشته باید صرفاً براساس علاقه و توانمندی‌های دانش‌آموزان صورت بگیرد نه معیاری جز این.

اما، انگیزه تدوین این دو کتاب: الف) مستندسازی روش تدریس و تجربیات ۳۰ ساله. ب) تولید محتوای آموزش تخصصی است. البته آنچه در این دو کتاب ملاحظه خواهید کرد، صرفاً مسیر کلی تدریس نگارنده در کارگاه «طراحی نشانه» است. مسلماً هیچ ادعایی بر بی‌نقص بودن محتوای حاضر نیست؛ بنابراین، هدف، مستندسازی یک روش آموزشی برنامه‌محور است و براین اساس، با توجه به کمبود منابع آموزشی دروس کارگاهی، از استادان این امر انتظار می‌رود در مستندسازی روش‌های خلاقانه و شخصی خود اهتمامی جدی داشته باشند تا بستر آشنایی با روش‌های آموزشی سایر همکاران، مدرسان و استادان بر مهباشود.

در پایان، بر خود واجب می‌دانم این محبت تمامی استادانی که در طی سالیان گذشته، صبوری کردند و علم و دانش و تجربه خود را بی‌منت در اختیار بنده حقیر گذاشتند، سپاسگزاری کنم. چه آنان که از محضرشان فیض حضور بردم و عشق و هنر آموختم و چه آنان که، تالو انوار آثارشان در لوح و افکارمان نقش بست و با وجود فاصله‌ها یادمان دادند، به‌خصوص از محضر استادان بزرگوار، زنده‌یادان جلیل ضیاءپور، ترضی ممیز، مسعود سپهر و استادان محمد احصایی، اسداله چهره‌پرداز، مصطفی اسداله‌ای، خسرو حیدری، نسرین بنیادی و دوستان بسیار بزرگوارم، اونیش امین‌الهی و مهران رجبعلی‌زاده عزیز.